

دیوان

ملا محمد سیّدی و اعظمی فرزند

شاعر سده یازدهم هجری

کوشش: اصغر علی

مهرندیاب.

واعظ قزوینی، محمد رفیع، ۱۰۲۷ - ۱۰۸۹ ق.
(دیوان)

دیوان واعظ قزوینی / به کوشش: اصغر علمی. -
تهران: ما، ۱۳۸۳.

پانزده، ۷۴۰ ص. : مصور.

ISBN: 964-5510-78-3 : ۷۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

چاپ دوم.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۱ ق. الف. علمی، اصغر،

۱۳۳۰ - مصحح. ب. عنوان.

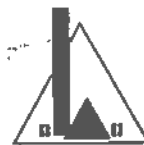
۸ فا ۱ / ۴ PIR ۶۵۸۵ / د ۹

۱۳۸۳ د ۲۱۷ و

۱۳۸۳

۹۸۸۵ - ۸۳ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات ((ما))

نام کتاب: دیوان واعظ قزوینی (م ۱۰۸۹ هجری قمری)

به کوشش: اصغر علمی ((مهروند میاب))

ناشر: انتشارات ما

چاپ اول: ۱۳۸۴

شماره ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۵۵۱۰-۷۸-۳

چاپ و صحافی: شرکت چاپ خواجه

بنام خدا

دیوانی که اکنون در دست شما خواننده‌ی عزیز است داستانی دارد اجمالاً بدین صورت که زنده یاد دکتر سید حسن سادات ناصری در تاریخ ۱۳۵۹ شمسی بعنوان تز دکترای خود فراهم و بچاپ رسانده است و در مقدمه‌ی آن نام کسانی که در این کار او را یاری کرده‌اند به نیکویی آورده است. سپس با دست‌یابی به مقداری دیگر از اشعار واعظ قزوینی تصمیم به چاپ مجدد آن می‌گیرد. در آن زمان اینجانب با روانشاد محمود منشی‌کاشانی در محل تالار کتاب مشغول چاپ دیوانهای بعضی از شاعران بودیم. دفتر تالار کتاب مرکز و محفل بزرگان ادب نیز بود که اکثراً در آنجا جلساتی دوستانه تشکیل می‌گردید. دکتر سید حسن سادات ناصری که با منشی دوستی قدیم داشت و در دفتر تالار کتاب در جمع ادیبان و بزرگان شرکت می‌نمود. متأسفانه دیگر بعضی از آن دانشی مردان (عبدالرحمن پارسا نویسرکانی، محمود منشی کاشانی، ابوالقاسم حالت، احمد سهیلی خوانساری، احمد گلچین معانی، ابراهیم صهبا، ریاضی یزدی، غلامحسین مولوی، عبدالصمد حقیقت، ابوالحسن ورزی و بعضی دیگر....) رخت به دیار باقی کشیده‌اند که نامشان گرامی باد.

دکتر سید حسن سادات ناصری بنا به مذاکراتی که با محمود منشی کاشانی داشت قرار شد چاپ جدید دیوان واعظ قزوینی توسط تالار کتاب انجام پذیرد. در آن زمان ما مشغول حروف چینی تذکره‌ی آتشکده‌ی آذر که چند نسخه دست‌نویس و چاپی آن را داشتیم بودیم و همچنین دیوان آذر بیگدلی را در دست تهیه داشتیم که دکتر سادات ناصری هم از کار ما اطلاع داشت که ناگاه پرفسور بیگدلی با دکتر سادات ناصری قرار دادی امضاء کردند که دیوان آذر بیگدلی را به چاپ برسانند چون منشی و اینجانب از این موضوع مطلع شدیم بر پایه‌ی دوستی و روابطی که فیما بین ما بود تصمیم به تعطیل چاپ این دو کتاب گرفتیم.

پس از چندی بین پرفسور بیگدلی و دکتر سادات ناصری اختلاف و مشاجره‌ی

سختی رخ داد که کار دیوان آذریبگدلی متوقف شد. یک روز دکتر سادات ناصری با حالت عصبانی از بنده پرسید کار دیوان آذریبگدلی را چه کردید به ایشان گفتم من و منشی بخاطر دوستی با شما از آن صرف نظر کردیم، ایشان گفت من می‌گویم ادامه بدهید و ما معذرت خواستیم تا اینکه کار اختلاف ایشان به قسمت دایره‌ی اهل قلم وزارت فرهنگ و ارشاد کشیده شد در آنجا آقای کیارس (که با بنده دوستی و لطف داشت) و در حل اختلاف این آقایان مؤثر بود، مشغول کار بود که خدایش سلامت و کامروا بدارد.

بنده از ایشان خواهش کردم هر طور که ممکن است وسیله‌ی آشتی آن دو را فراهم کند تا ما دچار معذور نگردیم. با محبت و لطف آقای کیارس بین پرفسور یبگدلی و دکتر سادات ناصری آشتی برقرار و دیوان آذریبگدلی از چاپ خارج شد لیکن کار چاپ دیوان واعظ قزوینی به تأخیر افتاد تا اینکه دکتر سادات ناصری در سفری که به افغانستان داشت در آنجا وفات یافت که پیکرش به ایران منتقل و دفن گردید.

اما در مورد چاپ دیوان واعظ قزوینی لازم است گفته شود که اینجانب چند سال قبل با آقای اصغر علمی آشنا شدم که این آشنایی رفته رفته به دوستی و همکاری مبدل شد و ضمن مذاکراتی که داشتیم قرار شد دیوان شوکت بخارایی که چند نسخه‌ی آن را در کتابخانه‌ی خود داشتم آماده‌ی چاپ کنیم که آقای پرفسور عبدالمنان استاد دانشگاه خجند که با بنده دوستی و رابطه داشت علاقه‌مند شد که در کار دیوان شوکت بخارایی با ما همکاری کند. در خلال گفتگو بفکرم رسید که به آقای علمی پیشنهاد کنم دیوان واعظ قزوینی را آماده‌ی چاپ کنیم که جایش خالی است. ایشان پذیرای این کار شدند و با بزرگواری و جدیت و کوشش تمام کار دیوان واعظ قزوینی را پیگیری نمودند که اکنون بدین صورت تقدیم دوستداران ادب و فرهنگ پارسی می‌گردد. امید است مورد عنایت و استفاده عزیزان قرار گیرد.

انشاءالله تعالی

تهران ۱۳۸۳

مدیر انتشارات ما

احمد کرمی

پیشگفتار

بنام آنکه جان را فکرت آموخت

چاپ دیوان واعظ قزوینی حاصل یک دیدار است و یک گفتگوی دوستانه که در روز هفدهم فروردین سال ۱۳۸۲ هجری شمسی با جناب آقای احمدکرمی فرزانه‌ی ادب گستر و مدیر انتشارات ما، دست داد و موضوع چاپ این دیوان مطرح و مورد توافق قرار گرفت.

این دومین بار است که دیوان واعظ قزوینی به چاپ می‌رسد، چاپ نخستین آن در سال ۱۳۵۹ توسط مؤسسه‌ی مطبوعاتی علی اکبر علمی و به همت و کوشش استاد ارجمند مرحوم دکتر سید حسن سادات ناصری بوده است، بنابراین فضل تقدّم بااوست. کار استاد در شرح و توضیح اصطلاحات و لغات مشکل و غیر مصطلح دیوان واعظ بسیار ارزشمند است و جای تقدیر فراوان دارد.

شیوه‌ی کار ما در تدوین دیوان واعظ قزوینی بدینگونه است که ابتدا کار استنساخ را بدون توجه به دیوان چاپی که متأسفانه آن را در هیچ یک از کتابخانه‌های پایتخت اعم از کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، مجلس، ملی، ملک... بدست نیاوردیم، با نسخه‌ی خطی ۲۵۱۹ کتابخانه‌ی مجلس که تقریباً نیمی از اشعار واعظ را در بردارد شروع کردیم. در تدوین دیوان حاضر به تمام نسخ خطی دیوان که نام خواهیم برد بجز نسخه‌ی خطی وزیری و نسخه‌ی خطی مرحوم هادی رنجی که در اختیار استاد سادات ناصری بوده رجوع کرده و بیت بیت آن‌ها را مورد توجه قرار داده‌ایم.

متن استنساخی ۲۵۱۹ را به ترتیب با نسخه‌های ۲۵۲۰ کتابخانه‌ی مجلس و ۴۸۷۱ و ۵۵۷۵ کتابخانه‌ی ملی ملک و ۴۷۹۱ و ۴۷۹۲ کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی مقایسه و

تفاوت و اختلاف‌ها را در حاشیه یادداشت نمودیم و اشعار نیامده در نسخ قبلی را به متن افزودیم. ماحصل کار را بانسخه‌ی ۲۷۱۵ کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران که انصافاً نسخه‌ای است ارزشمند با خطی بسیار زیبا و نسبت به سایر نسخ از لغزش‌های کمتری برخوردار است، مقابله کردیم. ماحصل کار این است که پیش روی شماست. علاوه بر نسخ مورد اشاره‌ی بالا، در کتابخانه‌ی ملی تبریز به جُنگی دست یافتیم که قسمتی از اشعار واعظ را در برداشت که دو نوحه و سه شعر از این اشعار در هیچیک از نسخ خطی یافت نشد. ما این سه شعر را در پایان دیوان حاضر در بخش ضمایم آورده‌ایم.

در تصحیح دیوان حاضر جایی که نسخ با هم اختلاف داشته‌اند، بیشتر به نسخه‌ی ۲۷۱۵ دانشگاه تهران و ۴۷۹۲ آستان قدس رضوی استناد کرده‌ایم و در انتخاب یک گزینه به گزینه‌ی دیگر به ذوق هم توجه کرده‌ایم. کوشیده‌ایم تا کاری کم نقص در اختیار اهل ادب بگذاریم.

در جاهایی که ضبط کاتبین مورد اختلاف بود، دقت بیشتری در ابیات مورد نظر بخرج دادیم و به نکاتی دست یافتیم که با نسخه‌ی چاپی تفاوت اساسی دارد. در صفحه‌ی ۱۶۵ دیوان چاپی سادات ناصری غزلی از واعظ بدینگونه شروع می‌شود.

بی نیازی ساقی از مینا برون می‌آورد کو سخن از لعل شکرخا برون می‌آورد
طبیعی است که مصرع اول غلط است، چرا که ساقی با می سر و کار دارد نه با بی نیازی، در ضمن آغاز مصرع دوم با کلمه کو (که او)، حکایت از ناز و کرشمه‌ی ساقی و تعلل در ریختن می از مینا دارد نه بی نیازی، چنانچه این ناز در سخن گفتن او نیز بروز و ظهور دارد. بنابراین مطلع غزل بشرح زیر تصحیح شد:

می به نازی ساقی از مینا برون می‌آورد کو سخن از لعل شکرخا برون می‌آورد
تفاوت دومی با نخستین از زمین تا آسمان است. باز یکی از رباعیات واعظ بدینگونه است.

جاهل، چو نظر به چتر شاهی فکند درویش، نظر به گاهگاهی فکند
درویش ز سایه‌ی هما سر دزد مانده‌ی داغی که سیاهی فکند

بر نکته سنجان پوشیده نیست که مصرع دوم با مصرع اول هماهنگی ندارد آیا درویش همانند جاهل است که گاهگاهی نظر به چتر شاهی می افکند؟ می دانیم که درویش در ادبیات ما نشانه‌ی بی اعتنایی به ظواهر است بنابراین صحت این مصرع بدین صورت مورد تردید است ما آن را بصورت متن حاضر اصلاح کردیم. با توجه به مصرع سوم که می گوید: درویش ز سایه‌ی هما سر دزدد، این موضوع که شاعر به این الوقت بودن درویش اشاره می کند بعید می نماید، به نظر ما واعظ در اینجا مناعت طبع را مورد توجه قرار می دهد نه این الوقت بودن درویش را.

جاهل چو نظر به چتر شاهی فکند درویش نظر به کاه، گاهی فکند
درویش ز سایه‌ی هما سر دزدد مانده‌ی داغی که سیاهی فکند
در نگارش غزل‌های ترکی شیوه‌ی امروزم نگارش زبان ترکی آذربایجانی را مورد توجه قرار دادیم و سعی کردیم با بضاعت کمی که داشتیم ترجمه‌ی صحیح آنها را در بخش ضمائم تقدیم علاقمندان کنیم.

رسم الخط زبان ترکی در گذشته بگونه‌ای نیست که امروزی‌ها آن را به راحتی بخوانند. بهمین دلیل در ترجمه‌ی غزل‌های ترکی واعظ در دیوان چاپی اشتباهات فراوانی وجود دارد. چنانکه در غزل با مطلع: گر گل‌سه..... در مصراع دویدوق کی جهان... کلمه‌ی دویدوق به معنای سیر شدیم معنا شده است در صورتی که این کلمه به معنای فهمیدیم و دانستیم می باشد. و تلفظ آن دو باهم اختلاف بسیار دارد.

بنابراین رسم الخط منسوخ گذشته را که در نسخ خطی دیوان و نسخه‌ی چاپی بکار رفته رها کردیم، و از رسم الخط زبان ترکی آذری که امروزه مورد استفاده است بهره گرفتیم، هرچند بخاطر رعایت وزن شعرها مجبور به عدول از قواعد دستور زبان در تبعیت و هماهنگی پسوندها از مصوت‌های کوتاه و بلند در افعال شدیم.

ضمن تدوین فهرست اشعار، فهرستی از لغات مشکل و غیر مصطلح دیوان را نیز تدوین و به آخر کتاب افزودیم.

تقدیر و تشکر

دوست عزیز و برادر ارجمند شاعرم علی دانشور در استنساخ بخش‌هایی از دیوان و تنظیم فهرست اشعار و تدوین لغات مرا یاری داده‌اند که جا دارد در همین جا از ایشان تشکر و قدردانی کنم.

همچنین بزرگوارانی که در کتابخانه‌ی مجلس (آقایان: حائری، خندابی، خلیلی) ملی ملک (آقایان: دکتر دهقان، قربانی) کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی (آقایان: طالب الحق، ناصری) و کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران در تهیه‌ی میکروفیلم و کپی از نسخ خطی نهایت محبت را مبذول داشتند، سپاسگزاری می‌کنم.

در خاتمه لازم می‌دانم از جناب آقای احمد کرمی استاد ارجمند و مدیر محترم انتشارات ما که با اعتماد و بزرگواری خود زمینه‌ی چاپ این دیوان را فراهم نمودند تشکر و قدردانی کنم.

سخن آخر این که ترتیب تدوین اشعار دیوان حاضر به شیوه‌ی دیوان چاپی تنظیم شده با این تفاوت که غزل‌های ترکی را در انتهای غزل‌ها و ترجمه‌ی آنها را در بخش ضمائم آورده‌ایم. خط روی جلد و عناوین شعرها که برگرفته از خود شعرهاست به خط هنرمند جوان نیمامیرجوادی تحریر شده است.

تایپ رایانه‌ای کتاب را خانم مولود شیشه‌گری انجام داده‌اند که جای قدردانی دارد.

اصغر علمی (مهروند میاب)